

بزکشی از قانون خاصی پیروی نمی‌کند.

بزکشی، آینه‌ی سیاست افغانستان

گزارش و عکس: پوریا لطفی

بزکشی چیست؟ همان که از اسمش پیداست به غیر از این که به جای بز از گوساله استفاده می‌کنند چون هم مسابقه را سخت‌تر می‌کند و هم جنازه گوساله در گیر و دار مسابقه دوام بیشتری از بز دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

مراسم نمی‌روند، پس مسابقه امن خواهد بود و دلیلی برای عملیات تروریستی علیه ما وجود ندارد. سرتان را درد نیاورم، چند هفته پس از استقرار در مزار شریف، به همراه همکارم و یکی از دوستان به سمت محل مسابقه می‌رانیم. حالا تنها دغدغه من پیدا کردن اسب بود...

بز کُشی چیست؟ همان که از اسمش پیداست به غیر از این که به جای بز از گوساله استفاده می‌کنند چون هم مسابقه را سخت‌تر می‌کند و هم جنازه گوساله در گیر و دار مسابقه دوام بیشتری از بز دارد. نتیجه ساده است: ۱۰، ۲۰، ۴۰ یا حتی ۱۰۰ مرد اسب سوار که چوب اندازشان می‌گویند دور هم در میدان بز کُشی جمع می‌شوند. محوطه کارزار مزار شریف دو تا سه برابر زمین فوتبال وسعت دارد. مبارزه بر این اساس است: هر سوار باید بتواند گوساله‌ای را که بر چوبی در مقابل جایگاه تماشاچیان آویزان است بردارد و با خود به سمت مقابل میدان ببرد و دور یک چوب در آن سر زمین چرخانده و دوباره به همان مکان نخست برگرداند که با دایره‌ای گچی نشانه گذاری شده است. به جز این، قانون معین دیگری وجود ندارد. گروهی در بین نیست بجز جانب‌داری‌های غیر رسمی که

مدتها پیش از این که برای کار به افغانستان بروم، رویای روزی را در سر داشتم که بازی بز کُشی را از نزدیک ببینم. در ناخودآگاهم خود را در افغانستان می‌دیدم حال آن که حقیقت ماجرا هیچ‌گاه به راحتی و شیرینی رویاها نیست و این هم البته استثنا نبود. از آغاز به من هشدار داده بودند که باید تمام قوانین و مقررات امنیتی را مو به مو رعایت کنم. تاکید کرده بودند که رفتن به مسابقه بز کُشی در روز جمعه در مزار شریف ممنوع است. چندماه پیش از رفتن من از کابل به مزار شریف، طالبان در یک مسابقه بز کُشی با عملیات انتحاری تعدادی از افراد نظامی را (که تصور می‌کنم سوئدی بودند) هنگام تماشای مسابقه کشتند و به همین دلیل بز کُشی هم به فهرست بلند بالای کارهای ممنوع برای خارجی‌ان افزوده شد.

به هر حال کسی نبودم که از چنین مقررات یفت و سختی دلسرد شوم. پس شروع کردم به مجاب کردن رئیس تا قدری کوتاه بیاید. حضور من در افغانستان از کشور فرانسه و همراه با گروهی از سازمان ملل بود تا در مسائل جاری آنجا به افغان‌ها کمک کنیم. هم‌زمان از همکاران افغانی کمک می‌گرفتم تا رئیس را قانع کنند که چون نظامیان به



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

شده است چراکه مردم درگیر مسایل روزمره معیشتی و امنیتی هستند و اغلب از اسب‌ها در میدان جنگ استفاده شده است. در جایی خواندم که تنها در یک رویارویی با طالبان ۳۰۰ اسب کشته شدند.

در یک باری که من در پزکشی شرکت کردم با اسب یک فرمانده جنگ سالار بود که با غرور می‌گفت در عملیات راندن طالبان از افغانستان با همان اسب شرکت داشته است. در گذشته خان‌ها برای مسابقه پول می‌دادند و در نهایت جایزه برنده را می‌پرداختند اما در حال حاضر افسران این کار را می‌کنند. این روزها برنده حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار جایزه می‌گیرد در حالی که پیش از این اسلحه‌هایی مانند کلاشینکف و امثال هم در زمره جوایز بود.

برای من رویای پزکشی کامل نشده است. با خودم قرار گذاشتم که بار دیگری که به مزار رفتم در میدان باشم اما این بار به جای دوربین، دهنه یک اسب را در دست خواهم داشت.



اغلب بر اساس قومیت است. سواری ممکن است سوار دیگر را با شلاق یا لگد یا هر طریق دیگری بزند تا به هم قبیله‌ای خود کمک کند اما گرفتن اسب مقابل ممنوع است. مرزهای زمین بازی هم تعیین شده و ثابت نیستند و من این را حین فرار از زیردست و پای یک گروه 'چوپ انداز' متوجه شدم. بارها گفته‌ام که بازی پزکشی آینه‌ی تمام‌نمای سیاست جاری افغانستان است و هیچ قانون معلومی ندارد و جانب‌داری بر اساس هم قبیله‌ای بودن است. همان‌طور که خیانت و خطر نیز بسیار رایج و غیرقابل پیش‌بینی و خارج از مرزهای کشور هم صورت می‌گیرد.

بازی عموماً از پاییز تا بهار انجام می‌شود چرا که تابستان مزار شریف بسیار گرم است. به کرات شنیده‌ام که پزکشی اساس بازی پولو (چوگان) است اما منبع موثقی برای این ادعا ندیدم. پزکشی در آسیای مرکزی صدها سال است که رایج است. پیش از آغاز جنگ‌های معاصر در افغانستان، تلاش‌هایی در جهت قانون‌مند کردن این ورزش و تشکیل تیم و لیگ صورت گرفت که موفق نبود. به نظر من ذات این بازی مانع قانون‌پذیری آن می‌شود. در طول جنگ‌های معاصر، بازی پزکشی بیش از پیش مهجور